

## بازگشت به لبه پرتگاه در بحران انتخابات راه حل چیست؟

**محمد اکرام اندیشمند**

صرف نظر از اینکه چه کسی و کدام طرفی در بازگشت به بحران انتخاباتی تقصیر دارد، هرگونه بی ثباتی سیاسی و امنیتی ناشی از این بحران، به تمام دست آورد های نیم بند عرصه های حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و ..... افغانستان در این سیزده سال اخیر نقطه پایان میگذارد. این پایان غم انگیز، هیچ برنده ای نخواهد داشت و به هیچ عدالتی نخواهد انجامید. تیم اصلاحات و همگرایی، پیوسته خود را در دام اشتباهات خود پیچانده است و تیم تداوم و شمول در صعود از نردبان ثقل، خود را بر بلندای پیروزی و قهرمانی می بیند. امریکایی ها و متحدان غربی شان، به هر قیمتی، در صدد آن هستند که دولت آینده از بطن انتخابات سر بر آورد، تا افکار عامه جوامع خود و دنیا را از پیروزی و کارآیی دموکراسی در افغانستان قانع و راضی کنند؛ صرف نظر از آنکه، زاییده و برآمده این بطن تا چه حدی معیوب، معلول، ناتوان و حتی نامشروع باشد. اشتباهات اصلاحات و همگرایی در روند انتخابات، اشتباه پیوسته و گام به گام بود که در یک بازی فاقد برنامه و دید استراتژیک، بصورت واکنشی وارد میدان های پر از مین و دام گردید:

چرا این تیم، بدون شفاف سازی دور اول انتخابات وارد دور دوم شد؟  
چرا این تیم، در دور دوم که ثقل سازمان یافته با ایجاد مراکز رای دهی جدید خیالی در مناطق ناامن مد نظر گرفته شد، از همان آغاز و در همان موقع به لغو این مراکز پافشاری نکرد؟

چرا این تیم، دور دوم انتخابات را بدون حضور ناظران خود در ولایاتی پذیرفت که زمینه برای نظارت آنها نامساعد بود و نامساعد ساخته شد، و در همان روز به ابطال انتخابات در آن مناطق اصرار نکرد؟  
چرا این تیم، بازشماری مجدد شمارش صددرصدی آرا را در حالی پذیرفت که به ثقل سازمان یافته اذعان داشت و در حالی که این بازشماری به این ثقل مشروعیت می بخشید؟

چرا این تیم، معیارهای ابطال انتخابات را که شفاف سازی روند انتخابات و تفکیک آرای پاک از آرای ناپاک، مستلزم استفاده از این معیارها بود در آغاز روند بازشماری به توافق تمام جوانب ذیدخل نرساند؟ و بسیار چرا های دیگر.  
تیم شمول و تداوم و رئیس این تیم، جناب اشرف غنی احمدزی در حالی که خود را به دو توافق سیاسی و تخنیکی بر سرسیران انتخابات متعهد میداند، اما معیار های مورد نظر تیم مقابل را بر سر ابطال آرا در توافق تخنیکی نمی پذیرد. رئیس و اعضای این تیم در صفت بر سر توافق سیاسی که در آن از تشکیل حکومت وحدت ملی سخن رفته است علی رغم تعهد به رعایت این توافق، پیوسته نسخه قانون اساسی را از جیب خود بیرون می کند و صلاحیت های رئیس جمهور را مورد تأکید قرار میدهد. به پایبندی خویش در ایجاد مقام اجرایی در حکومت انگشت

میگذارد، اما وظایف و صلاحیت آنرا در لنسار و تصمیم رئیس جمهور آینده تلقی می کند؛ رئیس جمهوری که از قبل خودش را در این مسند می بیند و برنده انتخابات می پندارد. به این ترتیب، تفسیر و تعبیر تیمشول و تداوم از توافقات تخنیکی و سیاسی، یک تعبیر و تفسیر متناقض، چالش برانگیز، ستیزه جویانه و غیرعملی است. حتی اگر در فضای این باور و دیدگاه و با فشار امریکایی ها، حکومت وحدت ملی از این دوتیم شکل بگیرد، این حکومت پیوسته درگیر تعارضات درونی خواهد ماند و راه ناهموار وحدت ملی را ناهموار تر خواهد ساخت.

## راه حل چیست؟

احیای مشروعیت انتخابات و مشروعیت نتیجه یک انتخابات مشروع و شفاف از این انتخابات و نهادهای انتخاباتی، یک تصور باطل و یک امر ناممکن است؛ در حالی که توسعه و ثبات پایدار سیاسی در افغانستان که متضمن توسعه در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و . . . . شمرده می شود، به مشروعیت و شفافیت انتخابات بر میگردد. شاید نکات زیر در این جهت کار ساز و مشکل گشا باشد:

- 1- ابطال انتخابات
- 2- تشکیل حکومت مؤقت بدون حضور رئیس جمهور کرسی و دوناامزد رقیب انتخابات ریاست جمهوری
- 3- تعدیل و اصلاح قانون انتخابات
- 4- تعهد و تأکید به تعدیل و اصلاح قانون اساسی پس از انتخابات مجدد ریاست جمهوری
- 5- تعیین رئیسان و کمیشنران کمیسیون های انتخاباتی
- 6- برگزاری انتخابات مجدد ریاست جمهوری